

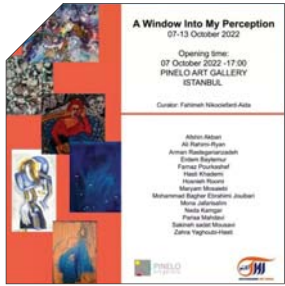
اخبار برگزیده

نمایشگاهی از هنرمندان ایرانی در استانبول

تصویری دیگر از ما

نمایشگاهی گروهی از هنرمندان ایرانی با کیورتوری فهیمه نیکویی‌فرد از روز هفتم اکتبر در گالری پینلو شهر استانبول ترکیه به نمایش درآمده است. این آثار تا سیزدهم اکتبر در این گالری در معرض تماشای عمومی قرار خواهند داشت.

به گزارش هنرآلاین، نمایشگاه «پنجره‌ای به سوی ادراک



من» (Window into My Perception) را فهیمه نیکویی‌فرد جمع‌آوری و کیوریت کرده است. در این نمایشگاه آثار افشین اکبری، علی رحیمی، آرمان رستگاریان‌زاده، فرناز پورکاشف، هستی خادمی، حسینه رومی، مریم مصیبی، محمدباقر ابراهیمی جویباری، مونا جعفری سلیم، ندا کامگار، پریسا مهدوی، سکینه‌سادات موسوی، زهرا یعقوبی و اردم بایتمور به نمایش درآمده است.

فهمیه نیکویی‌فرد متولد سال ۱۳۶۰، دارای مدرک کارشناسی صنایع دستی با گرایش نگارگری است که علاوه بر کار هنری، تجربه کیورتوری نمایشگاه‌های مختلف را نیز در کارنامه هنری‌اش دارد. او پیش‌تر چندین نمایشگاه انفرادی در شهر استانبول برپا کرده بود که آخرین آنها در همین گالری پینلو در این شهر بوده که اینک پذیرای آثار این نمایشگاه نیز هست. علاوه بر اینها، او مدرس رشته‌های مختلف مرتبط با صنایع دستی هم بوده و هست.

نمایشگاهی گروهی «پنجره‌ای به سوی ادراک من» از روز هفتم اکتبر در گالری پینلو استانبول آغاز شده است. این نمایشگاه که شامل آثار ۱۴ هنرمند ایرانی می‌شود تا روز ۱۳ اکتبر در این گالری در معرض تماشای عموم قرار خواهد داشت.

مستند حبیب‌الله صادقی، متقاضی حضور در شانزدهمین جشنواره سینماحقیقت

آخرین تصویر از نقاش فقید

فیلم مستند حبیب‌الله صادقی به کارگردانی محمدصالح حجت‌الاسلامی و تهیه‌کنندگی حسین نشاطی که در مرکز هنری و رسانه‌ای سلوک حوزه هنری تولید شده است، متقاضی حضور در شانزدهمین جشنواره سینماحقیقت شد. به گزارش روابط عمومی پروژه، فیلم‌برداری فیلم مستند حبیب‌الله صادقی با حضور حدود ۲۰ چهره فرهنگی به پایان رسیده و این فیلم در حال طی کردن آخرین مراحل فنی است تا برای نمایش در این جشنواره که در آذر برگزار می‌شود، آماده شود.

حبیب‌الله صادقی، نقاش منتسب به جریان هنر انقلاب و از نخستین اعضای حوزه هنری بود. او که به سال ۱۳۳۶ در محله تهران‌نو به دنیا آمده بود، در پنجم مرداد سال جاری بر اثر عارضه قلبی در فانی را وداع گفت. صادقی در سال‌های اخیر آثاری جدید را خلق کرده بود که نشانه‌هایی از امپرسیونیسم را در خود داشت. او مدرس دانشگاه بود و مدتی نیز مدیریت موزه هنرهای معاصر تهران را در دهه ۱۳۸۰ عهده‌دار شد.



محمدصالح حجت‌الاسلامی، فعال رسانه‌ای و مستندساز است و پیش از این و در سال ۱۳۹۹، فیلم «کابوس» را دربارۀ تجربه دوره همه‌گیری بیماری کووید ۱۹ ساخته بود که به گفته خودش فیلمی کم‌هزینه و تجربی بود که با امکانات اندک خانگی ساخته شد.

فیلم مستند حبیب‌الله صادقی، به کارگردانی محمدصالح حجت‌الاسلامی و تهیه‌کنندگی حسین نشاطی، برای حضور در شانزدهمین جشنواره سینماحقیقت که در آذر برگزار خواهد شد، آماده می‌شود.

نمایشگاه گروهی «انعکاس هنر» برگزار می‌شود

«انعکاس هنر» در گالری زرنا

آیین گشایش نمایشگاه گروهی آثار تجسمی با نام «انعکاس هنر» روز جمعه ۱۵ مهرماه در گالری زرنا به صورت غیرحضورى برگزار می‌شود. برگزارکننده و کیوریتور این نمایشگاه، آتنا زارعی (هنرمند نقاش) است. در این نمایشگاه آثارى از هنرهای نقاشی، خوشنویسی، حجم و مجسمه به نمایش درآمده‌اند اما نمایشگاه به‌صورت غیرحضورى و بدون بازدید تماشاگران در محیط خواهد بود. هنرمندانی که در نمایشگاه «انعکاس هنر» شرکت کرده‌اند، عبارت‌اند از الناز داداش‌زاده‌ماهر، امیرحسین ذوالفقاری، حامد واعظیان، ریحانه آذربایجانی، رویا پورقره‌سید، زهرا رجب‌پور، زهرا پاشای‌فومشکناری، سارا داوودی‌زاده، سوکند مجدآبادی، سوده حسینی، سارا عبدلی، صبا میزبانی، فرهنگ مرادی، فرشته ابراهیمی، فرزانه ویانی، لایلا سلطان‌زاده سلطان‌آباد، مریم جوانی، منصوره یوسف‌مصر، مینا مهری، مهرانوش کریمی‌سهر، نجمه رضاییان‌سرجقا، نگار ظروفچی، نرگس سلطان‌زاده سلطان‌آباد، هادی فلاح، هانیه وحیدی، یاسمن صباغ‌ابریشمی.

این نمایشگاه تا سه‌شنبه ۱۹ مهرماه در گالری زرنا به نشانی خیابان انقلاب، بین وصال شیرازی و دانشگاه، کوی اسکو، پلاک ۱۰، طبقه دوم برپاست. اختتامیه «انعکاس هنر» چهارشنبه ۲۰ مهر ساعت ۱۵:۰۰ برگزار می‌شود و دوستاناران هنرهای تجسمی می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر درباره این رویداد هنری با شماره ۰۹۸۳۸۰۶۶۴ (گالری زرنا) تماس بگیرند.

یادداشتی درباره هنر در دوران جنگ

واقعیت‌های جنگ یا آرامشی فریبنده؟

عکس به وجود آورد و بخشی از تصاویر را به‌صورت پیکسلی درآورد، و درنهایت به‌صورت چاپ کروموزنیک به روش دیازک ارائه داد.

چهره مانو تسه تونگ تبدیل به الگوی اصلی شامیل‌نگاری می‌شود. آرامش خاطر مانو، گاهی مشغول نوشتن، گاهی آرام و قابل‌تامل درباره آینده، از اصل واقعیتی که به نظر می‌رسد زیر پاهای او جریان دارد، جداست. تصویر مانو (پشت میز)؛ با پیکسلی‌شدن و محو شدن بخش زیادی از آن واقعیت سیاست‌های پشت تصاویر را به چالش می‌کشد. مداد و پرده سبزرنگ، مجسمه‌ای که مشابه مشعل المپیک است، احساسی فریبنده از ایدئولوژی نمادین صلح و آرامش در چهره سیاسی چین را نشان می‌دهد.

در آثار دیگر، آسمانی بی‌عیب‌ونقص و هوایی‌ماها در رژه‌هایی می‌رقصد، ماشین‌های نظامی و اعضای ارتش به لطف نمادین رقصنده‌ها به رخ کشیده می‌شوند، شکوه کل‌هایی که با جذابیت‌های ضدونقیض سا را در یک آرامش فریبنده نگه می‌دارد. مربع‌هایی از رنگ‌های نزدیک زمینه جایگزین عناصر گذشته می‌شوند و به سلاحی جدید برای نامرئی‌شدن زمان حال تبدیل می‌شوند و جذابیتی برای یک تخیل نوستالژیک ایجاد می‌کنند.

کلی که ایده‌ها را به ایدئولوژی‌های رقابتی تبدیل می‌کند و در آخرین سری خود، با بازی در وقفه‌های ذاتی هر نوع نمایش، با تکیه بر نکات فنی خاص چاپ آنالوگ و دیجیتال تصاویر و ایجاد اختلال در شبکه خوانش اثر هنری، آن را نشان می‌دهد. آثار توماس روف هنرمند آلمانی ساکن دوسلدورف در گالری دیوید زیورنر پاریس شامل ۱۰ اثر از مجموعه تابلوی چینی است که به حزب کمونیست و دقیق‌تر به رهبر این حزب مانو در دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ پرداخته شده است. این رویداد بخشی از نمایش فردی اوست که در مجموعه هنری نور در این-وستقالن در سال ۲۰۲۰ برگزار شد. توماس روف با ارائه این آثار بازنمایی قدرت را در روند کاری خود قرار داده است. تناقض آنچه می‌بینیم با اصل رویکردهای دولت چین و مانو(صنعت، آزادی جنسیتی، جنگ و...)،

روف به دلیل رویکرد تجربی خود در ارائه رسانه‌های مختلف و قابلیت‌های تکامل‌یافته فناوری شناخته شد. آثار نمایشگاه تابلوی چینی به دلیل علاقه دیرینه او به ژانر عکاسی تبلیغاتی به وجود آمد. او تصاویری از نسخه فرانسوی مجله‌ای la chine را که به‌صورت گسترده توسط چین چاپ و منتشر شده بود، انتخاب و آنها را اسکن کرد، سپس کپی از آنها گرفت و تغییراتی در لایه‌های مختلف

و برگ‌های سبزرنگه آن نیز استشمام شود. رویکردی که در نقاشی‌های کلاسیک و جهان یک‌سویه و تحکم‌آمیزشان وجود ندارد. ترسیم اشیا و ایزه‌های روزمره زندگی یا همان طبیعت بی‌جان که دستمایه بروز تجارب گوناگونی برای کویبست‌ها بوده، بهانه‌ای است برای رفتار نو در فرم، رنگ و شکل.

در کارهای براک به‌عنوان ذهن پویایی که یک آن حتی از کندوکاو در راه‌های مختلف هنری از پا ننشسته است،

شخصی نقاش است که به وجود می‌آید؛ شبیه زایش رفتارهای نو با واژه‌ها در هیئت شعر از خلوت شاعری با کاغذ و قلمش در گوشه نهانی، نقاشی «لیموها» را رُژ براک در سال ۱۹۶۳ کشیده است. در پیرانه‌سری، هنرمند بیست‌از پیش به دل خویش بهما می‌تواند دهد. نمود جلوه‌های واقع‌گرایانه با رگه‌های ظریف کویبستی در این نقاشی به چشم می‌خورد. آن‌طورکه سبویه رویایی ذهن مخاطب را به هیجان و غلبان درآورد و بوی تازگی لیموها



علیرضا جوادی

توماس روف چهره عکاسی معاصر و مکتب دوسلدورف است که با تعریف مجدد یک اثر هنری و ایجاد مؤلفی دیگر با هدف استفاده از روش‌های مختلف تولید، در بیان بازنمایی واقعیتی از جنگ، آزادی جنسی، تعاریف تحمیل قدرت است، روف مجموعه‌ای از تصاویر جدید را ارائه می‌دهد که تحقیقات خود را همراه با دغدغه‌های سیاسی-اجتماعی از قدرت بازنمایی قدرت، نشان می‌دهد.

او در این مسیر اغلب به دهه‌های ۵۰ تا ۷۰ اشاره دارد، در رویارویی با قرن بیستم که در آن تبلیغات رسانه‌ای در مقیاس صنعتی بزرگ گسترش می‌یابد، نبض سازمان جغرافیایی و اجتماعی جهان ما را ادامه می‌دهد. یک سردرگمی

یادداشتی بر اثر هنری رُژ براک

رویای استشمام بوی «لیموها»

سینا خزیمه، منتقد. برای رُژ براک همواره محدودیت‌ها بود که خلایق می‌زیاید. ذهن کاوشگر و پویای نقاش، مدام پی آزمون راه‌های گوناگون برای طوری دیگر نمایش دادن چیزها یا بیشتر قابل‌لمس بودن چیزها بود. بنابراین او در حیات هنری خود به سیاق‌های گوناگون گریز زد. به کودکی، نقاشی را موروثی از پدر بزرگ و پدر دچار شد که بعدها همین تجربه -نقاشی ساختمان- در آثار سال‌های بعدش نیز نمود پیدا کرد.

اوایل سده بیستم مدتی تحت تأثیر امپرسیونیست‌هایی همچون ونکوگ و سورا قرار گرفت و بعدتر برای بیان و بروز جوشش‌های درونی خود به راه و رسم فوویست‌ها گروید. فوویست‌ها هیجان‌ت درونی خود را با به‌کارگیری رنگ‌های تند، بی‌پروا و غلیظ به نمایش می‌گذاشتند و دور از باور نبود کسی که مدام در پی کشف راه‌های نو برای بازنمایی غلبان‌های درونی خویش است، به سیاق آنها نیز میل پیدا کند.

یکی از اصلی‌ترین دستمایه‌های فوویست‌ها برای شیوه و رویکردشان به رنگ‌ها، طبیعت بی‌جان بود، به غیر از پیکره‌ها و پرتره‌ها. بعدتر در نیمه دوم دهه نخست سده بیستم، رُژ براک در راستای همدلی با سلوک هنری پابلو پیکاسو با او رفاقت می‌گیرد و به یاری همدیگر موجب تولد رویکردی در نقاشی مدرن می‌شوند که مهم‌ترین و خلافتانه‌ترین مکتب هنری قرن می‌شود؛ «کویبسم»؛ پرداختن به تناقضات و مصائب خلق فضایی سه‌بعدی روی سطح دو‌بعدی بوم یا کاغذ و به تصویر درآوردن ایزه‌ای از زوایای گوناگون روی سطحی دو‌بعدی و خلق سیاق چیزها. همه‌چیز در خدمت لمس بیشتر مخاطبی است که برابر تابلوی نقاشی ایستاده است و عقبه‌ای سنتی در مواجهه با اثر هنری دارد. نیمه نخست دهه دوم سده بیستم، براک و پیکاسو جدایی می‌گیرند و هر یک به سمت‌وسویی مختلف می‌روند. براک نگره شخصی خویش را در کویبسم پیش گرفت.

او اعتنای چندانی به مسائل اجتماعی و سیاسی دوران خویش نداشت و تأثیری نیز که در روند تحول نقاشی مدرن در تاریخ هنر گذاشت، از دل پستی و بلندی کاوشگری‌های شخصی‌اش بود. انگار عمیق‌ترین خلایق‌ها از دل آتلیه